

در سال ۷۴ یعنی در زمان مرحوم هاشمی، تورم ۴۹ و نیم درصدی داشتیم که زمان تعدیل اقتصادی بود. مادر آن زمان کل کل و بحث بسیار می کردیم اما آقای هاشمی سال بعدش با انجام اصلاحات اقتصادی، یک سقوط آزاد شکل داد

**باتوجه به تجربه شخصی شما، برنامه هفتم را پیشروتر از برنامه های پیشین می دانید یا این برنامه هم همانند برنامه های گذشته است؟**

لایحه برنامه هفتم را مطالعه نکرده ام اما پرسش ابتدایی این است که برنامه را چقدر می خواهند بالا و پایین کنند؟ از سوی دیگر بحث شورای نگهبان هم مطرح است و ما هم به عنوان مجمع تشخیص مصلحت نظام که سیاست های ناظر بر برنامه هفتم را پیشنهاد دادیم و خدمت مقام معظم رهبری رفتیم و ایشان هم ابلاغ کردند. یکی از وظایف ما این است که کنترل و نظارت داشته باشیم تا این برنامه مصوب، حداقل مغایر با سیاست های برنامه نباشد و مطابق پیدا کند. این مهم مقداری چالش زاست و مجلسی ها هم برخی اوقات نسبت به این اتفاق موضع پیدا می کنند. از نظر حقوقی هم کاملاً روشن است.

بدین معنا که اصل ۱۱۰ قانون اساسی، یکی از وظایف رهبری را تعیین سیاست های کلی نظام بعد از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت می داند. یعنی مجمع پیشنهادهای خود را تقدیم رهبری می کند و رهبری هم این مشورت ها را می شنوند اما خودشان تصمیم می گیرند. در بحث اجرا هم اصل ۱۱۰ قانون اساسی نیز آورده است که یکی دیگر از وظایف رهبری، نظارت بر حسن اجرای سیاست هاست. در قسمت ذیل این اصل، عنوان شده است که رهبری برخی اختیارات خود را به جاهای دیگر تفویض کند. رهبری دو دوره است که نظارت بر حسن اجرای سیاست ها را به یک هیأت عالی نظارت که ۱۵ منتخب مجمع حضور دارند، سپرده اند. ما از این ماده قانونی استفاده می کنیم و وظیفه خود را انجام می دهیم تا سیاست های کلی که تصویب می شود، باد هوا نخورد. مجلس باید نظارت کند تا ببینیم چقدر تغییرات ایجاد می کند. این تغییرات ممکن است مغایر با برنامه نباشد که ما در آنجا کاری نمی کنیم. مسأله بعدی، اجرای سیاست هایی است که به ابزارها و ملزوماتی نیاز دارد. رهبری شعار سال را کنترل تورم در نظر گرفتند. مقامات دولتی هم در گفته های خود بر آن تأکید دارند اما تورم تحت امر دستور نیست و یک واقعه اقتصادی و معلول برخی علت هاست.

متأسفانه در این زمینه کارنامه خوبی نداریم. متوسط تورم در کشور ما بالای ۲۰ درصد بوده که این عدد غیرقابل قبول است. طی پنج سال اخیر، نرخ تورم، ۴۰ درصد را هم رد کرده است. در سال ۷۴ یعنی در زمان مرحوم هاشمی، تورم ۴۹ و نیم درصدی داشتیم که زمان تعدیل اقتصادی بود. ما در آن زمان کل کل و بحث بسیار می کردیم اما آقای هاشمی سال بعدش با انجام اصلاحات اقتصادی، یک سقوط آزاد شکل داد.

تورم ۵۰ درصدی در یک دوره و به منظور انجام یک سری اصلاحات ساختاری مشکلی ندارد و حتی شاید ضرورت هم داشته باشد اما اگر تداوم پیدا کند، تصاعدی و بی کیفیت می شود و ارزش پول و قدرت خرید مردم هم کاهش می یابد. رهبری بر مسأله کنترل تورم تأکید داشتند و من نگران هستم که دولت چقدر می تواند این دستور را اجرا کند.

اگر دولت این مسأله را رها کند، تورم بالای ۵۰ درصد هم می رود اما اگر مدیریت کند، تصور من این است که تورم عددی ثابت خواهد بود. با این تفاسیر، سیاست های برنامه باید طوری تنظیم شود که اصلاحات ساختاری را نرم نرم درست و اصلاح کند.

**اگر از برنامه توسعه قبل از انقلاب چشم پوشی کنیم، سه دهه است که فرایند توسعه اقتصادی را داریم پیش می بریم. علت کندی سرعت توسعه اقتصادی ایران در مقایسه با کشورهای همسایه چه بوده است؟**

به باور من سه الی چهار عامل دخیل هستند. یکی از عامل های اصلی این است که از اول انقلاب به جای اینکه کشور را حکیمانه اداره کنیم، خواستیم که عاطفی کار را پیش ببریم. ما از اول انقلاب گفتیم که وضع مردم باید خوب باشد. یک روز هم گفتیم به خاطر رویدادها و اتفاقات مختلف مردم باید راضی باشند. متأسفانه رضایت کوتاه مدت مردم، باعث شده است تا منافع بلندمدت مردم را به خطر بیندازیم. دولت وظیفه اشتغالزایی دارد اما خود دولت جای اشتغال نیست. اینکه ۷۰۰ هزار کارمند مورد نیاز ما به ۶ میلیون رسیده، به خاطر این است که یک روز مجلس، روز دیگر مثلاً دولت آقای احمدی نژاد فشار آورده است. حتی همین الان کمیسیون اجتماعی یک قانونی تصویب کرده است که کارمندان طرف قرارداد دولت، یک پله ارتقا داده و قراردادشان پیمانی شود. با این کار این امکان وجود دارد که تا ۲ میلیون نفر به کارمندان دولت اضافه شوند. این ۲ میلیون نفر ممکن است خوشحال شوند اما برای اقتصاد کشور اثر خوبی ندارد. ما در مجمع معتقد هستیم که این امر با سیاست های کلی مغایرت دارد و ممکن است با مجلس بر سر این مسأله چالش داشته باشیم. آقای